

«شهید دکتر عباسپور، وزیر نیرو، کمی قبل از شهادتش، در مورد نارسائی‌ها و مشکلاتی که در وزارت نیرو وجود دارد، به درخواست نماینده دادستانی کل انقلاب در وزارت نیرو، یادداشت‌های مختصری را در اختیار آنها قرار داد که به مثابه وصیتنامه کاری او تلقی می‌شوند و به رغم اختصار، به خوبی گویای روحیه انقلابی و تحول‌طلب و عاصی شهید در برخورد با کمپانی‌های غارتگر امپریالیستی و صدها دلال و مشاور خارجی و داخلی است.»

■ و صیتنامه کاری شهید دکتر عباسپور در وزارت نیرو

حضور انجمنهای اسلامی، دگرگونی بنیادین را ممکن می‌سازد...

دادستانی انقلاب وزارت نیرو اگر در مورد پس گرفتن حقوق غارت شده ملت از عناصر فاسد بتوان کاری کرد، این تنها دادستانی انقلاب است که می‌تواند چنین وظیفه خطیری را انجام دهد، اما چون حجم کار آن زیاد است، بخشی را به دوش دادستانی وزارت نیرو گذاشته است. بدیهی است عناصر آگاه به مسائل و امور فنی و نیز مطلع از مفاسد گذشته، باید نهایت همکاری را با دادستانی بکنند. تسریع در امور حتی با وجود ده درصد خطا، ضرورت دارد، زیرا به اندازه کافی وقت از دست داده‌ایم

انجمنهای اسلامی باید متشکل‌تر تلاش کنند تا افراد بیشتری را تحت پوشش و آموزش قرار دهند و افراد مسلمان، متعهد، فداکار و آماده ایثار را جذب کنند، زیرا حضور چنین افرادی در رده مسئولین و مدیران، دگرگونی‌های بنیادین را ممکن می‌سازد

و عناصر فاسد که از ضربه انقلاب گیج شده‌اند، به زودی از طریق دادگاههای مختلف، مدعی ملت هم خواهند شد.

نکاتی چند

در نظام دولتی جدید فر بیکار یا کسی که به اندازه دستمزدش کار نمی‌کند، قابل تحمل نیست. از سوی دیگر افرادی که بازده کاری آنها بیش از حد عادی است، باید تشویق و معنوی شوند. تفکر استخدام رسمی دولتی به عنوان مستمیری مادام‌العمر باید به کلی منسوخ شود و اصولاً مستخدم رسمی وجود نداشته باشد.

ولو به قیمت توقف تمام پروژه‌ها باید برای مدتی تعطیل شود، چون این کار از رکود چند ساله بهتر است.

دفا تر حقوقی، فنی و مالی

متأسفانه این دفا تر چون بخشی از نظام اداری رژیم گذشته‌اند و غالباً تحول پیدا نکرده‌اند، نقش اصلی خود را که گرفتن حق ملت است و نظارت صحیح بر مسائل فنی و مالی است، انجام نمی‌دهند و اگر خودشان هم عامل ادامه فساد نباشند، حداکثر این موضع خنثی و بیطرفانه را گرفته‌اند تا فرصتی پیش آید که دوباره امکان مشارکت در غارت را بیابند و ضمن تماس با مسئولین انقلاب، هنوز از نعمت نشست و برخاست با بزرگان رژیم (پیمانکاران و مشاوران سابق) نیز بهره‌مند باشند.

انجمنهای اسلامی

در کل نقش افراد مسلمان و متعهد و آماده ایثار به مراتب بیشتر از نقش انجمنهای اسلامی بوده و اگر امتیاز مثبتی برای انجمنهای اسلامی باشد در حقیقت به خاطر این‌گونه افراد است، ولی این به معنی نفی انجمنهای اسلامی نیست. انجمنهای اسلامی باید متشکل‌تر تلاش کنند تا افراد بیشتری را تحت پوشش و آموزش قرار دهند و افراد مسلمان، متعهد، فداکار و آماده ایثار را جذب کنند، زیرا حضور چنین افرادی در رده مسئولین و مدیران، دگرگونی‌های بنیادین را ممکن می‌سازد.

هیئت پاکسازی

این هیئت هر جا درست رفتار کرده، بزرگ‌ترین خدمت را به انقلاب کرده است و می‌کند (مثلاً وزارت نیرو) در جاهائی هم که تندرویها و عدم قاطعیت بوده است، مشکلات زیادی را به وجود آورده و یا تأثیر وجودی چندانی نداشته است (مثلاً سازمان انرژی اتمی). می‌توان با دعوت از عناصر آگاه و مؤمن به انقلاب، کار ارزنده پاکسازی را با سرعت و قاطعیت و در ابعاد گسترده‌تر ادامه داد.

مدیران و مسئولان در بسیاری از موارد پذیرای وضع، کارکنان و روند کاری موجود هستند و اگر گاهی تلاش هم می‌کنند، تلاش آنها در جهت راه‌اندازی چرخهای زنگ‌زده موجود با تلاش کمتر و بازده بیشتر است. اینها افراد کم‌کار و بی‌کار را چون بخشی از ادوات اداری تحمل می‌کنند و گاهی هم لازم می‌دانند، برای همین در گردش کارها، تحول اداری به وجود نمی‌آورند. وضع کارمندان و بازده آنها به هیچ وجه مطرح نیست و تغییرات در تشکیلات اداری، ربطی به انقلاب عظیمی که در جامعه صورت گرفته، ندارد. یک اداره یا شرکت به جای آن که جایی برای خدمت‌رسانی باشد، محلی برای جذب افرادی است که در مسابقه نفوذ به دستگاه اداری، پیروز شده‌اند و می‌توانند مادام‌العمر مستمیری بگیرند. غالباً نقایص و مشکلات را نمی‌بینند و از تذکر و ارائه معایب و نقایص خبری نیست. وضع انبارها، حسابها، مغایرتهای بانکی و امثال اینها، از این قبیل هستند. آنها برای خود نقشی و رسالتی جز گذران و روزمرگی قائل نیستند و این کار هم هر چه کم‌سر و صدا تر و کم‌خطرتر پیش بیاید، بهتر است، در حالی که مدیران موظفند با توجه به دگرگونی‌های اجتماعی، تشکیلات و برنامه‌های جدید را تدوین و آنها را با توجه به یک نظام کارآمد با بازده مناسب تنظیم کنند. در تغییرات اداری دنبال جذب افراد جدید نباشند، بلکه بر اساس دگرگونی‌های واقعی حرکت کنند. شایسته مسئولیت‌پذیری باشند و از اختیارات خود در جهت صحیح استفاده کنند.

مقاطع کاران و مشاوران

نظام مقاطعه‌کاری به شیوه گذشته ابداً قابل ادامه نیست. مقاطعه‌کاران گذشته و کارهای آنها باید افشا شود. باند سازمان برنامه، دستگاههای اجرایی، مشاوران پیمانکار دربار، وابستگان دولت و این چرخه بسته چپاول باید افشا شوند. اهمیت مجازات این غارتگران و پاکسازی آنها کمتر از هویداها و اویسی‌ها نیست. باند سازمان برنامه و بودجه